

ترس
و
نکبت
رایش سوم

برتولت برشت

ترجمه شریف لنگرانی

فهرست

- آثار دیگر نویسنده به ترتیب نوشتن آنها ۷
- این کتاب و نویسنده اش ۹
- رژه ارتش آلمان ۱۱
-
۱. اتحاد ملی ۱۳
۲. خیانت ۱۷
۳. صلیب گچی ۱۹
۴. سربازان مرداب ۴۵
۵. خدمت به خلق ۵۱
۶. قضاوت ۵۵
۷. مرض ناشی از کار ۸۱
۸. فیزیکدان ۸۵

۸۹	۹. زنِ یهودی
۹۹	۱۰. جاسوس
۱۱۵	۱۱. کفش سیاه
۱۱۹	۱۲. کار اجباری
۱۲۳	۱۳. برنامه کارگران
۱۲۹	۱۴. صندوق
۱۳۱	۱۵. زندانی آزاد شده
۱۳۷	۱۶. کمک زمستانی
۱۴۱	۱۷. دو نانوا
۱۴۳	۱۸. دهقان به خوکش غذا می دهد
۱۴۷	۱۹. مبارز قدیمی
۱۵۳	۲۰. موعظه کوه
۱۵۹	۲۱. شعار
۱۶۳	۲۲. خبر گلوله باران بندر «آلمریا» به سربازخانه ها می رسد
۱۶۷	۲۳. ایجاد کار
۱۷۵	۲۴. رفاندوم
۱۷۹	تذکر
۱۸۱	گر سربازان ارابه زره دار
۱۸۵	صدا

رژه ارتش آلمان

به پنجمین سال
آنگاه که شنیدیم
آنکه خود را رسول خدا می داند
جنگش را آماده است
با توپ و تانک و رزمنان
و مرغان فلزی خفته در آشیانه
که به یک اشاره اش می توانند آسمان را سیاه کنند
گفتیم
ببینیم چگونه مردمی را - از چه قماش -
با چه اندیشه ای
به زیر علمش فرامی خواند
و به تماشای رژه رفتیم:

بردگان سرازیر می شوند
رنگ پریده، گوناگون

و به پیشاپیش توده
 صلیب شکسته‌ای بر رنگ خون
 نشان نیرنگی به مردم زبون.
 و آنان که رژه نمی‌روند
 بر چهار دست و پا
 برایش به جبهه می‌خزند.
 بی‌ناله، بی‌شکایت
 بی‌پرسی بر لب
 و تنها موزیک نظامی است که رساتر و رساتر می‌شود.

زنده تا پنجمین زمستان
 - زن و بچه‌شان به همراه -
 بیماران و پیران را با خود می‌کشند
 ولی پایان پنجمین را نخواهند دید.
 حال ما را واداشته‌اند.
 از تمام ارتشش رژه بگیریم.

۱ اتحاد ملی

افسران اس‌اس
 از بزم آبجو و سخنرانی‌اش می‌آیند
 با شکم پر و تن خسته
 و آرزوی اینکه
 ملتی باشند بزرگ - چنان‌که در شمار
 آرنده‌شان -
 و ملتی باشند فرمانبردار.

شب سی‌ام ژانویه ۱۹۳۳. دو افسر اس‌اس تلوتلوخوران از
 خیابانی می‌گذرند.

افسر اولی: حالا دیگر آن بالاییم، چه باشکوهند مشعل‌ها! دیروز
 ورشکسته، امروز در عمارت صدارت عظمی.
 دیروز کلاغ پرشکسته، امروز عقاب رایش.

- می‌شاشند. -

افسر دومی: حالا دیگر موقع اتحاد ملی است. من منتظر اعتلای روحی